



# انترناسیونال

## ۶۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۶ آذر ۱۳۸۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۴

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

نامہ های از ایران صفحه ۶	اطلاعیہ برگزاری جلسہ دفتر سیاسی صفحه ۵	جمهوری اسلامی و سلاح اتمی نوید مینایی صفحه ۶	سخنرانیها به مناسبت سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب صفحه ۵
--------------------------------	--	--	--



## آیا انجمنهای آزادی برابری تشکلهای علنی هستند؟

مصاحبه با حمید تقوایی  
در باره فعالیت علنی انجمنهای آزادی برابری

مخصوصا توسط معترضین چپ و کمونیست يك ضرورت نیست؟ آیا منشا این نوع مبارزه اختناق اسلامی نیست؟ آیا محصور ماندن در مبارزه مخفی دلیل دیگری هم غیر از اختناق سیاسی

صفحه ۲

انترناسیونال: در مقاله تان میگویند که انجمنهای آزادی برابری تشکلهای علنی هستند. بعدا به جنبه های مختلف تشکلهای علنی برمیگردیم. اول کمی در باره جنبه های سبک کاری این نوع فعالیت توضیح دهید. آیا مبارزه مخفی

اغلبشان حول علنیت انجمنها، تفاوت این انجمنها و شوراهای انجمنها و حوزه های حزبی دور میزنند. گفتگوی زیر جهت روشن شدن جوانب مختلف یکی از این سئوالات یعنی ضرورت فعالیت علنی انجمنها متمرکز شده است.

بعد از انتشار مقاله حمید تقوایی در باره انجمنهای آزادی برابری در انترناسیونال ۶۰، نامه های زیادی از ایران رسیده است. نامه هایی که در عین استقبال از این بحث سئوالاتی را مطرح کرده اند. این سئوالات به جوانب متنوع این بحث مربوط است اما



ستون اول

محسن ابراهیمی

## دوئل بر سر خلیج!

آی آدمها بهوش باشید! اتفاقی افتاده است. اتفاقی بسیار حیاتی! جنابیتي رخ داده است. غیرتها بیدار شده اند. رگها متورم شده اند. خونها به جوش آمده اند. شاهپرستان، گروه ضربت خلیج فارس تشکیل داده اند. سایت میهن پرستان طومار جمع میکنند. ناسیونالیسم عظمت طلب دوشادوش سران حکومت اسلامی اعلام کرده اند این تجاوز به خاک ورجاوند را بی پاسخ نخواهند گذاشت. جمهوری اسلامی فعالیت خبرنگاران موسسه نشنال جئوگرافیک را ممنوع کرده است. میهن پرستان، اطلس جدید را بایکوت کرده اند. اعلامیه داده اند که آی آدمها خلیج فارس از روز اول با نام ایران بود و جاودان خواهد بود. حزب مرز پرگهر مطالبات اش را اعلام کرده است: همه نسخه های اطلس جدید باید جمع شوند! موسسه نشنال جئوگرافیک باید از پیشگاه مردم میهن پرست ایران پوزش بخواهد!

چه اتفاقی افتاده است؟ به کجا تجاوز شده است؟ کدام جنایت اینچنین شاه پرستان را به آغوش خدایپرستان انداخته است؟ باز هم دختری نوجوان مورد تجاوز قرار گرفته است و بالای دار رفته است؟ نه خیر، همین دیروز قاضی الله در شهر نکا به عاطفه رجبی تجاوز کرد و پاسداران خدا بالای دارش برد اما رگ این جان نثاران شاه و میهن حتی مرتعش هم نشد! آیا باز هم نوجوانی زیر ضربات شلاق

صفحه ۳

## سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب را گرامی بداریم!

شهلا دانشفر

صفحه ۵

## خشونت علیه زنان!

پاسخ به سه سؤال

آذر ماجدی، مینا احدی، هما ارجمند

صفحه ۴

## وعده ما در ۱۶ آذر!

پیام علی جوادی

به دانش آموزان، معلمان و دانشگاهیان به مناسبت ۱۶ آذر



اما در دوران اخیر این روز معنایی بسیار گسترده تر و همه جانبه تر

صفحه ۶

کرد. باید از هم اکنون بطور گسترده به استقبال این روز رفت. ۱۶ آذر تاریخا روز دانشجو لقب گرفته و تاریخی دیرینه دارد.

پرچم سرخ "آزادی و برابری" است. روز اتحاد مردم به گرد پرچم آزادی و برابری. باید ۱۶ آذر را هر چه بزرگتر و با شکوه تر برگزار

۱۶ آذر نزدیک است. ۱۶ آذر روز اعتراض است. روز اعتراض سراسری، روز اعتراض و "نه" به رژیم اسلامی، روز برافراشتن

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ مصاحبه با حمید تقوایی

دارد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من مبارزه مخفی تنها شکل مبارزه کمونیستی نیست. حزب و جنبش کمونیستی حتما در شرایط اختناق شیوه‌های فعالیت و فعالین مخفی خودش را لازم دارد اما مبارزه طبقاتی در سطح جامعه، مبارزات اجتماعی و توده‌ای که کمونیست‌ها وظیفه دارند سازماندهی و رهبری کنند به شکل مخفی اتفاق نمی‌افتد. بحث من در اینجا بر سر فعالیت علنی است و نه لزوماً علنیت فعالین. بین این دو باید تفکیک قائل شد. اینکه فعالین تا چه حد می‌توانند علنی و شناخته شده باشند به توازن قوا و مضمون فعالیت آنها مربوط می‌شود، اما هر اندازه هم اختناق شدید باشد مبارزه اجتماعی امری علنی است. این را هر روز در ایران جمهوری اسلامی داریم مشاهده می‌کنیم.

در اینکه در جامعه ما اختناق شاهنشاهی و سپس اسلامی زمینه و منشأ روی آوری انقلابیون و کمونیست‌ها به فعالیت زیر زمینی بوده است تردیدی نیست اما مساله اینجاست که این نوع کار مخفی تحمیلی، برای چه سنتی تبدیل به یک امر هویتی شده است. به نحوی که گویی مبارزه انقلابی بنا به تعریف و خصلت خود تنها می‌تواند به شکل مخفی صورت بگیرد. این محدود و منحصر دیدن مبارزه به فعالیت مخفی تصویری کاملاً فرقه‌ای و غیر اجتماعی از مبارزه است. این تصور دیگر زاده اختناق نیست بلکه از حاشیه‌ای و غیر اجتماعی بودن چه سنتی در اهداف و سیاست‌های ناشی می‌شود. نیروهایی که مانند چه سنتی در ایران، تمام حقانیت سیاسی اش را از تحت فشار اختناق بودن، تحت تعقیب قرار گرفتن و زیر تیغ زندان و شکنجه و اعدام فعالیت کردن می‌گیرند و نه سیاستها و برنامه و اهداف انقلابی و بسیج جامعه حول این سیاستها، آنوقت طبعاً فعالیت مخفی تبدیل به هویت این نوع نیروها می‌شود. کسی که تمام اعتراض این باشد که چرا دهان مرا بسته‌اید در یک تریبون علنی حرفی برای گفتن نخواهد داشت. مبارزه علنی مستلزم بلند کردن

پرچم شعارها و خواستها و سیاست‌هایی است که در مقیاس ده‌ها و صدها هزار کارگران و دیگر بخش‌های معترض جامعه را بسیج کند و به حرکت در آورد. نیرو و حزی که اصولاً چنین پرچمی را در دست نداشته باشد نیازی هم به مبارزه علنی نخواهد داشت و مخفی کاری به یک امر هویتی و علت وجودیش بدل خواهد شد.

ما همیشه در برابر این سنت ایستاده و آنرا نقد کرده‌ایم. اولین بار حدود بیست سال قبل وقتی منصور حکمت در سرمقاله بسوی سوسیالیسم شماره ۵، دوره اول (بهمن ماه ۱۳۶۱)، از ضرورت چاپ مقالات و نوشته‌ها در نشریات کمونیستی با اسم و امضا صحبت کرد این تصویر سازمان‌های چه سنتی از مخفی کاری را که حتی نوشته‌هایشان را بدون امضا منتشر می‌کردند - و هنوز هم برخی از فرقه‌های حاشیه‌ای چه همین سنت را ادامه می‌دهند - به نقد کشید و نشان داد که چرا معرفه و شناخته بودن نویسندگان و رهبران فکری و سیاسی جنبش کارگری و کمونیستی امری مطلقاً ضروری است. این نظریه بعدها در سطح عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تری در بحث "حزب و شخصیت‌ها" و "حزب و جامعه" منصور حکمت بسط داده شد و داشتن هویت علنی در مبارزه اجتماعی به یکی از اصول پایه‌ای حزب و جنبش کمونیسم کارگری و یکی از وجوه تمایز اساسی آن از چه فرقه‌ای و حاشیه‌ای بدل شد.

برای حزب و جنبش ما مبارزه اصولاً و اساساً امری علنی است. و آنجا که ناگزیریم مخفی فعالیت کنیم این امریست که مطلقاً به ما تحمیل شده و بهیچوجه نه از خصلت و سبک کار و هویت ما ناشی می‌شود و نه نشانه رادیکالیسم و انقلابی‌گری این نوع فعالیت است. مخفی کاری در هر سطح یک محدودیت و عاملی بازدارنده است که هر جا ممکن است و میتوان امنیت و ادامه کاری را به اشکال دیگری تضمین کرد باید آنرا کنار گذاشت. تلفیق کار علنی و مخفی، مخفی نگاهداشتن فعالین در عین علنی فعالیت کردن، علنی بودن فعالین اما قابل تعقیب نبودن آنها،

هویت علنی دادن به تشکلهای مخفی، هویت سیاسی و مبارزاتی علنی داشتن یک فعال و یا تشکل در عین مخفی نگاهداشتن اسم و آدرس و هویت واقعی آنها، اینها همه آلت‌ناتیوهائی ایست که میتوان و باید در برابر مخفی کاری به شیوه سنتی قرار داد. بویژه امروز با وجود کامپیوتر و اینترنت که مساله چاپ و توزیع ادبیات کمونیستی و انقلابی و کلا تماس با جامعه را بسیار تسهیل و سریع کرده است این نوع "علنی کاری در عین حفظ امنیت" امری کاملاً ممکن و عملی است.

**انترناسیونال:** به این اشاره کردید که فعالیت علنی لزوماً به معنای علنی بودن فعالین نیست. در چه مواردی فکر میکنید علنی و شناخته بودن فعالین ضروری و ممکن است؟ آیا در شرایط امروز این امکان وجود دارد که فعالین انجمن‌های آزادی برابری علنی شوند؟

**حمید تقوایی:** قبل از پرداختن به مورد خاص انجمن‌ها باید به این نکته پایه‌ای تأکید کنم که اصولاً فعالین و بویژه رهبران عملی جنبش‌ها و مبارزات توده‌ای نمیتوانند مخفی و ناشناس باشند. جنبش کارگری فعالین و رهبران عملی سرشناس خودش را لازم دارد. جنبش دانشجویی و جنبش زنان و جنبش‌های اعتراضی بخش‌های دیگر جامعه نیز همینطور. اینجا دیگر بحث فعالیت حزبی و کمونیستی نیست بلکه صحبت از مبارزات توده‌ای و تشکلهای و کمپین‌ها و شخصیت‌های این مبارزات است. این نوع مبارزات تنها به شکل علنی میتواند به پیش برده شود. مبنای این بحث را در نوشته‌های قبلی ام در مورد هویت بخشیدن به چه (انترناسیونال، دوره دوم، شماره‌های ۱۴ و ۱۵) توضیح داده‌ام. اینجا فقط بر این تأکید میکنم که در این سطح و با توجه به توازن قوای موجود در جامعه، علنی کاری ضامن بقا و ادامه کاری مبارزین است. برای جمهوری اسلامی تعقیب و دستگیری فعالینی که در سطح جامعه شناخته شده باشند بسیار مشکل‌تر از دستگیری فعالین مخفی است. باید توجه داشت که در اکثر قریب باتفاق موارد هویت فعال و رهبر "مخفی" اعتصابات و

مبارزات کارگری و دانشجویی برای پلیس سیاسی رژیم شناخته شده است، و لذا "مخفی کاری" در واقع تنها مردم و جامعه را از شناختن این فعالین و در نتیجه حمایت از آنها و اعتراض به دستگیری آنها محروم میکند، و به رژیم اجازه میدهد که با دست باز به آنان حمله کند. هر چه فعالین مبارزات توده‌ای در سطح وسیعتری معرفه و شناخته شده باشند به همان نسبت تعقیب و دستگیری آنان برای رژیم مشکل میشود و این را بارها در موارد متعددی، از جمله مورد بازداشت فعالین اول ماه مه امسال در سقز و آزاد ساختن آنها تحت فشار اعتراضات در داخل و خارج ایران، شاهد بوده‌ایم.

در مورد مشخص انجمن‌های آزادی برابری نیز این امر صادق است. در بسیاری موارد علنی و شناخته شدن فعالین این انجمن‌ها نه تنها باعث پیشرفت و گسترش فعالیت آنها خواهد شد بلکه میتواند ضامن بقا و ادامه کاری آنها نیز باشد. کاملاً قابل تصور است که پیگرد و یا بازداشت هر فعال سرشناس انجمن خود به موضع کمپین و عرصه کارزار دیگری برای آن انجمن و دیگر نهادها و تشکلهای حامی آن تبدیل شود و جمهوری اسلامی را از هر سو تحت فشار قرار بدهد. البته باید بر این تأکید کرد که علنی شدن فعالین انجمن‌ها یک اصل عمومی و مستقل از شرایط ویژه هر انجمن نیست. اعلام هویت و شیوه کار و فعالیت همه انجمن‌ها باید علنی باشد اما علنی و شناخته شدن فعالین آنها کاملاً بستگی به توازن قوا و عرصه و مضمون ویژه کار هر انجمن دارد.

**انترناسیونال:** به توازن قوا اشاره کردید. در جایی از مقاله تان در مورد انجمن‌ها نیز گفته‌اید برای رژیم در توازن قوای فعلی تعقیب و پیگیری فعالین علنی و شناخته شده امر سهل و ساده‌ای نیست. روی این توازن قوا کمی مکث بکنیم. مشخصات این توازن قوا چیست؟ چه تغییرات مهمی مثلاً نسبت به سالهای قبل بوجود آمده است؟ و به چه معنی این توازن قوای جدید کار رژیم برای تعقیب شخصیت‌های شناخته شده مشکل کرده است؟ **حمید تقوایی:** در یکی دو سال

اخیر توازن قوا به نحو محسوسی به نفع مردم و به ضرر رژیم تغییر کرده است. منزوی و طرد شدن دو خرداد و رادیکالیزه شدن مبارزات توده‌ای خود هم حاصل این تغییر توازن قوا و هم موجد آنست. نفوذ دو خرداد در چند سال قبل تنها حاصل توهم مردم نبود. گرچه بخشی از جامعه به اصلاحات نوع دوقرادی متوهم بودند اما علت اصلی روآوری مردم به دوقراد مثلاً در مقطع انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری، استفاده از دعوی بین جناح‌های رژیم بعنوان بهانه و محملی برای پیشبرد مبارزه خودشان بود. این نوع توسل به دو خرداد خود حاصل آن بود که در تناسبات قوای آن دوره مردم به چنین محملی احتیاج داشتند. با افشای خاتمی و دو خرداد از یکسو و پیشرفت مبارزات مردم و تعمیق و رادیکالیزه شدن این مبارزات از سوی دیگر، که از هر دو جنبه حزب ما نقش مهمی در این روند ایفا کرد، دیگر نه توهمی به دو خرداد باقیماند و نه نیازی بوجود آن بعنوان محمل و بهانه مبارزه. این واقعیت در نمونه‌هایی مثل منزوی و بی ربط شدن دفتر تحکیم وحدت در مبارزات دانشجویی و بلند شدن پرچم آزادی و برابری در این جنبش بخوبی خود را نشان میدهد. امروز ما شاهد دور تازه‌ای از شورهای شهری، که در واقع از ۱۸ تیر سال ۸۲ شروع شد، برگزاری اول ماه مه ها و ۸ مارسها و امسال روز جهانی کودک به شکل متشکل‌تر و علنی‌تر، تشکیل و اعلام وجود علنی جمعها و کمیته‌ها و کانون‌های مختلف و طرح شعارهای رادیکالی مثل "آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی"، شعار لغو آپارتاید جنسی و بدور انداختن زندانیان سیاسی و اخیراً شعار "سوسیالیسم دوی درد مردم" و "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض" بوده‌ایم. اینها همه نشاندهنده تعرض وسیعتر و رادیکالتر جنبش سرنگونی نسبت به کلیت رژیم و تغییر توازن قوا به نفع مردم است.

تا آنجا که به علنی کاری مربوط میشود باید بویژه این نکته را در نظر گرفت که مضمون مبارزات مردم، خواستها و شعارهایی که مطرح

## مصاحبه با حمید تقوایی

میکنند، مخفی و زیر زمینی نیست، بلکه در یک رو در رونی باز در سطح جامعه بین مردم و رژیم صورت میگیرد. یک نوع مقابله ای که از حقانیت و اقبال اجتماعی برخوردار است و رژیم قادر نیست، یا بسیار به سختی میتواند آنرا غیر قانونی و یا توطنه گری و مغایر نظم و آرامش و مصالح ملی، و خزعبالات دیگری از اینقبیل که معمولاً پوشش تبلیغی تعقیبها و دستگیریهاست، قلمداد کند. یک شخصیت و یا کانونی که برای دفاع از حقوق کودکان فعالیت میکند، و یا تشکل کارگری که خواهان پرداخت دستمزدهای عقب افتاده است و یا وظیفه خود را پیگیری مساله قتل کارگران خاتون آباد قرار داده است، یا شورای دانشجویی که آزادی زندانیان سیاسی را میخواهد،

یا انجمن آزادی برابری فلان منطقه که خواهان لغو آپارتاید جنسی است میتواند علنی فعالیت کند و شناخته شده باشد. هیچکدام از این مضامین و تشکلهای یک تابوی سیاسی و امر ممنوعه در انظار جامعه و به تبع آن خود رژیم نیستند. یک جنبش گسترده علنی، که حتی در کشاکش بین جناحهای رژیم هم منعکس میشود، حول این مسائل وجود دارد که بستر مناسبی برای فعالیت علنی انجمنها ایجاد میکند. این توازن قوا به یمن جنبش سرنگونی طلبانه مردم در چند ساله اخیر وجود آمده است، و تشکیل انجمنهای آزادی برابری میتواند باید یک دستاورد این مبارزه چندین ساله باشد.

**انترناسیونال:** ناری از ایران

پرسیده است "آیا این جمع ها علنی باید تشکیل شوند. به نظر ما اگر علنی باشند با توجه به اینکه حزب گفته مشکل ساز میشود." نظراتان چیست؟

**حمید تقوایی:** توصیه و فراخوان حزب برای تشکیل انجمنها به هیچوجه به معنای وابستگی تشکیلاتی و حتی سیاسی انجمنها به حزب نیست. مضمون کار این انجمنها هیچ ویژگی حزبی ندارد. امروز جهانی مذهب از دولت و یا برابری زن و مرد و یا آزادی زندانیان سیاسی، و دیگر خواستهای طرح شده در منشور آزادیها، مختص به حزب ما نیست، بلکه یک خواست و مطالبه عمومی و بارها اعلام شده از جانب مردم است. انجمنها در واقع حول خواستهای اجتماعا طرح و پذیرفته شده متشکل میشوند. اعضای انجمن نیز لزوما کمونیست و یا حتی چپ نیستند. هر انسان

آزادیخواه با هر گرایش حزبی و سیاسی میتواند در این انجمنها فعالیت کند. بنا براین انجمنها هم از نظر مضمون کار و هم ترکیب فعالین و اعضا، تشکلهای غیر حزبی - غیر کمونیستی هستند. تشکلهائی هستند که حول خواستهای عمومی و آزادیخواهانه علنا فعالیت میکنند و چیزی برای مخفی کردن ندارند. لذا حقانیت فعالیت انجمنهای آزادی برابری برای همه جامعه، برای همه نیروها و احزابی که خود را آزادیخواه و برابری طلب میخوانند و برای همه نهادها و مراجع مترقی و انساندوست بین المللی قابل پذیرش و دفاع است. و به همین دلیل حمله رژیم اسلامی به این انجمنها به بهانه وابستگی آنها به حزب بسادگی قابل توضیح و توجیه نیست.

**انترناسیونال:** باز هم یک سوال از

ناری. اگر انجمنهای آزادی برابری مخفی هستند پس چرا به جایش نباید حوزه تشکیل داد؟ فرق انجمنها با حوزه ها چیست؟

**حمید تقوایی:** انجمنها همانطور که توضیح دادم تشکلهای علنی هستند و این یک وجه تمایز آنها از حوزه هاست. اما تمایز مهمتر اینست که حوزه ها تشکلهائی حزبی هستند، تشکل کمونیستهای هستند که حول برنامه یک دنیای بهتر و برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنند. در مورد انجمن های آزادی برابری هیچیک از اینها صادق نیست. بعبارت دیگر حتی اگر انجمنها مخفی فعالیت کنند باز هم هیچ مشابهتی با حوزه ها نخواهند داشت. \*

از صفحه ۱

## دوئل بر سر خلیج

پاسداران اسلام جان سپرد؟ نه خیر. همین دیروز میرغضبهای اسلام به مناسبت "ماه مبارک رمضان" جان نوجوان ۱۴ ساله ای را در کردستان گرفتند اما قلب این عشاق ایران بدر نیامد! اتفاق غم انگیزی رخ داده است؟ نه خیر. داستان غم انگیز فروش دختران فقر زده در بازارهای حاشیه خلیج همچنان توسط باندهای حکومت اسلامی پیش میرود و شما طوماری از پاسداران "خلیج همیشه فارس" ندیده اید! آیا اینها قلب ندارند؟ نه خیر. قلوب اینها آنچنان رتوف است که حتی برای مردم خارج از مرزهای این مرز پرگهر تاپ تاپ میکنند! در اطلاعیه هاشان آرزو کرده اند: "امید است زبان شیرین فارسی زبان دوم شیخ نشینان خلیج فارس شود!"

موضوع چیست؟

همین برای طوفان پیا کردن در اردوی سلحشوران خدا و شاه و میهن کافی نیست؟

جمهوری اسلامی چندی پیش اعلام کرده بود که این خلیج اصلا نه خلیج فارس است و نه خلیج عربی. این "خلیج اسلامی" است! و ناسیونالیسم عرب هم البته در بوق خلیج همیشه عربی میدمد. میبیند که این رزم ناسیونالیستی سه سر دارد: ژنرالهای آریایی، پاسداران اسلامی و شمشیرزنان عربی! این دیگر یک دوئل تمام عیار ناسیونالیستی-اسلامی میان عمامه پوشان و شنل بدوشان و لباده داران است. حقیقتا اگر زیانشان به دیگران نرسید میبایست این دوئل چنان مرتجع را به حال خود رها میکردیم و چکاچک شمشیر این غیرتمندان ارتجاع ناسیونالیستی ایرانی-عربی-اسلامی را فقط با طوفان خنده استقبال میکردیم. اما اینها دار و دسته دو جنبش بسیار ارتجاعی هستند: جنبش اسلامی و جنبش ناسیونالیستی و جنب و جوششان همیشه به حال بشریت مضر است.

این جنگی بر سر اسامی فارسی یا عربی یا اسلامی نیست. این عنوانها فقط قالبهایی برای شعله ور

کردن هیجانانگیز کور ملی هستند. بورژوازی، چه عربی، چه اسلامی و چه "پارسی"، همیشه پشت هیجانانگیز کور ملی منفعت آگاهانه زمینی را دنبال کرده است. این بار هم پشت این عناوین منفعت زمینی و واقعی بورژوازی "فارس" و "عرب" و "اسلامی" قرار دارد که زیانشان متفاوت است و منفعتشان مشابه. اشک ناسیونالیستی که اینچنین بر آبهای خلیج جاری میشود نه برای "آب پاک" است و نه برای "خاک پاک". همه این اشکریزان غمخوار در رویای اختصاص بیشتر طلای سیاه منطقه در خدمت بورژوازی خودی شیون میکنند. از هر طرف، این اشکی برای افزودن بر شمش طلای زرد متعلق به خود، یعنی حکام اسلامی و بازماندگان آریامهری و شیوخ عرب در صندوقهای امن بانکهای سویس است. و این شمشهای بی زبان نه نماز میخوانند، نه زبان شیرین فارسی بلدند و نه عربی تکلم میکنند. نه بسم الله و نه تاج و نه شمشیر بر رویشان حک شده است. و این همان منفعت مشابه بورژواهای متفاوت است.

جالب است بدانید که سایت میهن پرستان همراه طومارشان در دفاع از تمامیت ارضی ایران عکسهای از رنجهای نیروی دریایی آمریکا که کودکان عراقی را

در آغوش کشیده اند را پست کرده اند! یعنی این عشاق تمامیت ارضی منتظرند فانتومهای ارتش آمریکا بسب خوشه ای بر سر مردم بریزند و خلیج را از دست نمایندگان اسلامی بورژوازی بگیرند و به دست نمایندگان آریامهری بشمارند. فقط یک چیز باید همیشه جاودان باشد: رفاه، سعادت و خوشبختی انسان. خاک مقدس نیست، انسان مقدس است. مرزها هیچ موقع جاودان نبوده اند و هیچ موقع هم نخواهند بود. خود بورژوازی خاک پاک پرست هر جا لازم دیده مرزها را به هم زده است. بخش مهمی از آن هفده هزار تغییر در اطلس جدید انعکاس به هم ریختن و تغییر توازن قوا در میان بورژوازی کشورهای مختلف بعد از پایان جنگ سرد است. برای بورژوازی، تقدس تمامیت ارضی از تقدس پول و سرمایه نشات میگیرد. اگر پول و سرمایه ضروری کند "تمامیت

ارضی" را برهم میریزند و اگر باز هم پول و سرمایه ضروری کند، "تمامیت ارضی" برای سرکسسه کردن کارگران در داخل مرزهای معین مقدس میشود.

خلیج و منابع و ثروتهاش نه به شیوخ عرب، نه به حکام اسلامی و نه به ژنرالهای نوستالژیک آریامهری، به هیچکدام تعلق ندارد. از نظر کارگران خلیج، از نظر مردم منطقه، باید بساط حکام اسلامی و شیوخ عرب را برچید و منابع خلیج را برای ساختن مدرسه و بیمارستان و خانه و محل تفریح و رفاه مردم منطقه، رفاه کارگران مهاجر بکار برد. و این البته هنوز کافی نیست. در جهانی که روی قاعده اش بنا شود، منابع و ثروتها متعلق به همه است. خلاقیت مردم جهان را باید برای رفاه تمام مردم جهان سازمان داد. این البته از نظر مفتخوران بورژوازی ناسیونالیست اسلامی و آریایی و عربی نفرت انگیز است. \*

### کمک مالی به تلویزیون و رادیو انترناسیونال

#### لیست ۳

- افسانه علی نیا ۱۰۰۰ کرون
- شراره نوری ۳۰۰ کرون
- شهبلا و ترانه ۲۰ دلار
- مجید (یوتسوری) ۳۰۰۰
- صابر نوری ۱۰۰۰ کرون
- ماهانه

**انترناسیونال: خشونت علیه زنان مخصوصا در کشورهای اسلام زده بیداد میکند. بخشی از اسلاميون تبلیغات وسیعی راه انداخته اند که خشونت علیه زنان اولاً یک امر فرهنگی است و ثانیاً "اسلام معتدل" مخالف خشونت علیه زنان است. نظرستان در این مورد چیست؟**



**آذر ماجدی:** خشونت علیه زنان محصول نظام زن ستیز و مردسالار حاکم است. یک وجه مهم موقعیت تحت ستم زن در جامعه خشونت است که بطور سیستماتیک علیه او اعمال می شود. موقعیت پایین تر زن در قانون و در جامعه بطور کلی و تبعیض و تحقیری که به زن در جامعه و محیط کار اعمال می شود یک وجه مساله است و خشونت در خانواده یک وجه مهم دیگر آن. ایدئولوژی و دیدگاهی که زن را «جنس ضعیف» (می شناسد و برای او مرتبه و جایگاه برابر قائل نیست، لاجرم تحقیر زن و اعمال زور بر او را تشویق و تجویز می کند. هر چه این زن ستیزی شدیدتر و جافاده تر

باشد خشونت علیه زن نیز بیشتر و پیچیده تر خواهد بود. اسلام یک ایدئولوژی شدیداً مردسالار و زن ستیز است. از دیدگاه اسلام زن هیچ موجودیت مستقلی ندارد و حکم برده مرد را دارد. زن از دیدگاه اسلام مایملک مرد است. این دیدگاه عمومی اسلام نسبت به زن و جایگاه زن در اسلام است. درک عامه خشونت را صرفاً در ضرب و شتم و تجاوز و قتل خلاصه می کند. درحالیکه خشونت به تعرض جسمی خلاصه نمی شود، تعرض روحی، تحقیر و تبعیض رسمی و فشارهای روحی دیگر نیز خشونت محسوب می شوند و جزئی از خشونت سازمان یافته علیه زن در جامعه اند.

«معتدل تر» (ممکن است میزان و شدت خشونت را کمی کاهش دهد ولی در اصل مطلب تفاوت چندانی نمی گذارد. مساله اینجاست که باید دیدگاه و ایدئولوژی مردسالار و زن ستیز کاملاً بمصاف طلبیده شود تا خشونت علیه زن ریشه کن شود. آیا خشونت علیه زنان امری فرهنگی است؟ امر فرهنگی هم هست. در جامعه ای که مردسالاری نظام حاکم است، روشن است که این دیدگاه در فرهنگ حاکم بر جامعه نیز بروز می یابد. ولی اسلاميون و هواداران آنها از اعلام این مساله یک هدف و نیت سیاسی را دنبال می کنند. می گویند فرهنگی است که بگویند به اسلام ربطی ندارد. همان کسانی که اعلام می کنند: «اسلام با حقوق زن تناقض ندارد» «ضمناً می گویند که اسلام مرد سالار نیست، بلکه فرهنگ

**انترناسیونال: سنگسار یکی از شنیع ترین اشکال خشونت علیه زنان است. فعالیتهای شما به عنوان مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار در چه مرحله است؟ چقدر توانسته اید در جلوگیری از این جنایت علیه زنان موفق شوید؟ و چه برنامه هایی در پیش دارید؟**



**مینا احدی:** فعالیتهای ما توانسته است به نحو گسترده ای، اولاً این پدیده وحشتناک را در دنیا مطرح کرده و ثانیاً توجه ها و اعتراضات وسیعی را بر علیه آن دامن بزند. متأسفانه ما در دنیایی زندگی میکنیم که برای سازمان دادن یک مبارزه موثر بر علیه این وحشیگری آشکار، یعنی سنگسار انسانها بدلیل سکس و رابطه جنسی خارج از

ازدواج نیز باید به جنگ مجموعه ای از فضا سازها و موانع میرفتیم. ما باید در مجموعه فعالیتهایمان عینکی را که روی چشم جوامع اروپایی و مردم در غرب زده اند را پاک میکردیم. یعنی اینکه باید میگفتیم که سنگسار فرهنگ مردم آن مناطق نیست و سنگسار و یا هر نوع خشونت بر علیه زنان در کشورهای اسلام زده نیز باید با

میشد تا توجه ها جلب شود و مبارزه ای وسیع سازمان یابد. خوشبختانه ما توانستیم در همه این جبهه ها بجنگیم و امروز باید بگویم که مفتخرم اعلام کنم که بشریت مترقی مانع از آن شده که در دو سال گذشته کسی را سنگسار کنند. ما توانسته ایم شبکه بین المللی حاضر و آماده سازمان دهیم که بهر مورد سنگسار فوراً عکس العمل نشان میدهد و جان تعداد زیادی را تا کنون نجات داده است. برنامه های ما برای آینده معطوف به این امر مهم است که باید قانون

**انترناسیونال: یک وجه مهم تلاش اسلاميون برای راه انداختن دادگاهی شریعت در کانادا گسترش دادن خشونت علیه زنان است. فعالیتهای گسترده شما علیه استقرار دادگاه شریعت با استقبال وسیعی مواجه شده است. تا چه حد توانسته اید در این مبارزه موفق شوید؟ برنامه های بعدیتان چیست؟**



**هما ارجمند:** دقیقاً همین طور است. این نتیجه گیری نه صرفاً بخاطر شناخت و تجربه ای است که از اسلام و قوانین ضد زن آن داریم، اینکه هر جا جنبش اسلام سیاسی در موضع قدرت باشد چه جنایتی در حق زنان و کلاً آزادی و انسانیت میکند. بلکه این نتیجه گیری در عین حال به خود تجربه عملی ما در همین کانادا مبتنی است. در کشوری که سکولار است و ترقی خواهی و دفاع از حقوق زنان دست بالا را دارد. چرا که همین حالا در

کامیونیتی هایی که جریانات اسلامی در مراکز مهم این کشور حول مساجد و مدارس بوجود آورده اند، همان تفاقاتی میافتد که در کشورهای اسلام زده با زور حکومت، دستگاههای سرکوب و دسته های اوباش اسلامی اعمال میشود. چند همسری، مدارس اسلامی که در آن دختر و پسر از هم جدا هستند، حجاب اجباری و حجاب کودکان، محرومیت کودکان از ارتباط با دیگران و برخورداری از همان تفریحات و امکاناتی که یک

برای گسترش آن فراهم کند؟ هنوز چنین موسساتی وجود نیامده سنت اسلامی و احکام آن در این کامیونیتی ها جاری است. در نظر بگیرید چه وضعی پیش خواهد آمد اگر همان حداقل امکاناتی که برای زنان این کامیونیتی ها در برخورداری از قوانین و موسساتی که جهت دفاع از حقوق زنان در خود کانادا موجود است بسته شود و این وحوش اسلامی با ایجاد این دادگاهها اعتبار قانونی نیز پیدا کنند. اما چه باید کرد؟ خیلی روشن است. باید همان کارهایی را که کمپین ما در این يك سال گذشته انجام داده است با نیرو و عزم بیشتری پیش برد. مقابل حرکتی که برای ایجاد این

تقویت کنند. \*

## سالگرد حزب را هر چه با شکوهرتتر برگزار کنیم!

شهلا دانشفر



چند روز بیشتر به سیزدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران نمانده است، برای برگزاری باشکوه این روز باید تدارکات لازم را دیده باشیم. سالگرد حزب، ۱۰ آذر، همزمان است با تدارک اعتراضات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر. از اینرو در این روزها جنب و جوش بیشتری در همه جا به چشم میخورد و حضور وسیع حزب نیز بسیار مهم است. بویژه اکنون در شرایطی که سالگرد حزب را گرامی میداریم که چپ بیش از همیشه به جلوی صحنه جامعه آمده و همه جا دارند از ما کمونیستها حرف میزنند. حتی دفتر تحکیم وحدت نیز از ما بعنوان مهمترین گروه برانداز که همواره مواضعی تند و انتقادی نسبت به آنها اتخاذ کرده است اسم میبرد و در

سطح جامعه از ما بعنوان برلینی ها و یا کانال جدیدی ها سخن میگویند. امروز به یمن داشتن تلویزیون، طیف وسیعی از مردم چپ و آزادیخواه حول ما جمع شده اند. سالگرد حزب مناسبتی است برای اینکه بیش از پیش این طیف وسیع را با حزب و تاریخ آن آشنا کنیم. همچنین سالگرد حزب مناسبتی است که با پخش وسیع اطلاعیه ها و کارت ویژه حزب به این مناسبت و با نوشتن شعارهای زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، آزادی برابری حکومت کارگری، زنده باد سوسیالیسم و زنده باد جمهوری سوسیالیستی و نیز با نصب آرم حزب بر در و دیوار، حضور حزیمان را در سطحی وسیع و اجتماعی نشان

## اطلاعیه برگزاری نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

نشست دفتر سیاسی روزهای شنبه و یکشنبه ۱۳ و ۱۴ نوامبر با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی، حمید تقوایی لیدر حزب و تعدادی از اعضای کمیته مرکزی بعنوان ناظر برگزار شد.

دستور جلسه این نشست عبارت بود از گزارش لیدر، اوضاع سیاسی و موقعیت حزب، پلاتفرم تشکیلات خارج، مالی، موقعیت تشکیلات های حزب، کمیته علیه اسلام سیاسی، قرار مربوط به انتخاب مشاورین کمیته مرکزی نیز به اتفاق آراء تصویب گردید. در مبحث کمپین علیه اسلام سیاسی بر موقعیت ویژه حزب در مبارزه علیه اسلام سیاسی و لزوم اختصاص نیرو و تمرکز بر این کمپین تاکید شد.

در پایان آذر ماجدی به اتفاق آراء بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

لازم به ذکر است که در فاصله دو جلسه حضوری دفتر سیاسی قطعنامه های جمهوری اسلامی، رقابت های اتمی و سیاست حزب کمونیست کارگری، شورا و جنبش شورایی و کلیت قطعنامه انجمن های آزادی و برابری به تصویب رسیده است.

**دفتر سیاسی**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۸ نوامبر ۲۰۰۴

دهیم. در سالگرد حزب جمع ها و محافل حزبی میتوانند به دور هم جمع شوند و این روز را جشن بگیرند. میتوانند در جمع هایشان در مورد تاریخ و اهداف این حزب صحبت کنند. میتوانند به این مناسبت جشن و مهمانی خانوادگی داشته باشند. میتوانند برنامه یک دنیای بهتر و کتابهای حزب را به دوستانشان هدیه کنند.

با تمام ابتکاراتمان، این روز را گرامی بداریم.

در هر کجا که میتوانیم پلاکاردهای زنده باد حزب کمونیست کارگری را آویزان کنیم. بویژه در دانشگاهها و در میادین شهرها و با آتش روشن کردن و فشفشه هوا کردن به استقبال سالگرد حزب برویم. \*

### سخنرانیها به مناسبت سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب

<b>آلمان، کلن:</b> زمان: روز ۱۸ دسامبر ۲۰۰۴ ساعت ۳ بعد از ظهر <b>سخنرانان:</b> آذر ماجدی مینا احدی محمد آسنگران اعضای دفتر سیاسی حزب	<b>سوئد، استکهلم:</b> زمان: جمعه ۳ دسامبر ساعت ۱۹ <b>سخنران:</b> سیاوش دانشور عضو دفتر سیاسی مکان: Husby traff	<b>سوئد، گوتنبرگ:</b> زمان: شنبه ۴ دسامبر ساعت ۱۸ <b>سخنران:</b> سیاوش دانشور
---	--	--

### سیزدهمین سالگرد

#### حزب کمونیست کارگری ایران را گرامی بداریم!

سیزدهمین سالگرد حزب خودتان را در جمع ها و محافلشان به هر شکل که میتوانید جشن بگیرید. بر در و دیوار بنویسید زنده باد حزب کمونیست کارگری، زنده باد سوسیالیسم! آرم حزب باید بر دیوارهای شهر نقش ببندد.

حزب کمونیست کارگری حزب شما مردم است. حزب کمونیست کارگری در صف مقدم اعتراض مردم آزادیخواه، پرچم آزادی، برابری، حکومت کارگری را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دشمنان رنگارنگ مردم برافراشته است.

حزب کمونیست کارگری نماینده شما زنان و مردان و جوانانی است که سر هیچگونه سازشی با فقر و تبعیض و خفقان و استثمار و سرکوب سیاسی و پایمال کردن حقوق انسانی ندارید.

حزب کمونیست کارگری حزب نماینده لغو بردگی مزدی، نماینده سوسیالیسم و نماینده حق طلبی شما کارگرانی است که به چیزی کمتر از آزادی، برابری و رفاه اجتماعی رضایت نمیدهید.

حزب کمونیست کارگری صدای شما کارگران و آزادیخواهانی است که سوسیالیسم را هدف قرار داده اند و از این جهان وارونه و نابرابر و پر از تبعیض بیزارند.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.

زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد منصور حکمت!  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۵ نوامبر ۲۰۰۴، ۱۵ آبان ۱۳۸۳

### انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

#### موضوع

بررسی تئوریهای مارکسیستی و کمونیسم کارگری در مورد انقلاب، قدرت سیاسی، و سوسیالیسم (حزب و انقلاب)

#### سخنران: حمید تقوایی

زمان: یکشنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۰۴، ساعت ۲ بعد از ظهر  
مکان: تورنتو Oriole Community Centre, 2975 Don Mills Rd.  
این برنامه مستقیماً از طریق پالتاک پخش خواهد شد  
زمان پخش در پالتاک: ۸ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱۰ و نیم شب بوقت ایران  
آدرس پالتاک: گروه Language/nationality  
Iran, Anjoman Marx, Ba Hamid Taghvaei; اتاق  
شماره تماس: +۱۴۱۶۷۳۷۹۵۰۰ marx\_can1@yahoo.com

## جمهوری اسلامی و مسئله سلاح های اتمی

نوید مینایی از تهران

مسئله سلاح های اتمی موضوع بحث انگیزی است. بکارگیری این تکنولوژی از سوی جمهوری اسلامی باعث قدرت گیری هر چه بیشتر اسلام سیاسی در منطقه میشود و گریبان تمام جامعه بشری را خواهد گرفت. به قول کاظم نیکخواه سلاح های هسته ای را نمیتوانند مستقیماً علیه مردم داخل ایران به کار برند. ولی در صورت بروز حملات اسرائیل و آمریکا به تالیسات هسته ای، این کارگران، معلمان، پرستاران و سایر اقشار کم درآمد و زحمتکش داخل ایران هستند که باید آثار مخرب آن را تحمل کنند. حکومت هم که با اعمال خشونت و بی رحمی تمام به فکر مقابله با اعتراضات است در این صورت سیاست سرکوب و ارباب را بیش از پیش در دستور کارش قرار میدهد.

همه نگران دستیابی رژیم اسلامی ایران به سلاحهای کشتار جمعی اتمی هستند. ولی آیا این تمام ماجراست؟ کماینکه در ایران زندگی میکنند و به پروژه های عمرانی ای که دولت بعد از جنگ انجام داده توجه کرده اند و همچنین از روابط کاری در سیستم حکومتی با خیرند میدانند که این تمام ماجرا نیست. ما همه میدانیم دستگاه دولتی در ایران به شدت و تا مغز استخوان فاسد است. برای وارد شدن به هر بخش از دستگاه دولتی باید

دست به جیب و آماده پرداخت رشوه باشید. هیچ کجا روابط فاسد اداری اجازه نمیدهد کارها اصولی پیش بروند و در نهایت این پیمانکاران هستند که برای اجرای پروژه ها اعمال اراده میکنند. کفایت کمی درصد سیمان را کاهش بدهند تا سود نهایی چند برابر شود. چه کسی پیگیری میکند؟ بچه های سپاه! آنها هم که غریبه نیستند. مالیاتشان قبلاً پرداخت شده است. این تازه در صورتیست که خود پیمانکار از بچه های باحال سپاه نباشد! ...

در چنین ساختاری چندین مرکز غنی سازی اورانیوم در نقاط مختلف کشور در حال احداث است. با فرمولهایی که کارشناسان کره ای، روسی و پاکستانی به بچه های سپاه می دهند قرار است چنین مراکز در کشور احداث شود. تجهیزات هم که هزینه برند و سیستم نظارت هم از "خودمان" است. در این صورت فاجعه چرنوبیل در سطحی بسیار وسیع تر در ایران تکرار خواهد شد. البته اگر فاصله این مراکز تا اروپای غربی به اندازه ای باشد که تشعشعات آن به اروپا نرسد، این هم اشکالی ندارد. (نسبیت تکنولوژی و ایمنی؟!)

جمهوری اسلامی در ایران در حال ساخت تجهیزات هسته ای تحت عنوان انرژی اتمی صلح آمیز که میتواند خطر آن منطقه را تهدید

کند. اگر بشریت متمدن جهان تکان نخورد، به زودی شاهد فجایع انسانی بیشتری خواهد بود. مراکز صدور این فجایع رژیم اسلامی است. افغانستان، پاکستان و اسلامیست های عراق هستند که آبشخور همه آنها مشترک است. حکومت ایران در مرکز همه این فجایع و خشونت علیه بشریت متمدن قرار دارد. باید چنین حکومتی را بیزیر کشید.

راه حل برای رهایی از خطر حملات نظامی در دنیایی که سلاح هسته ای در دست خیلی ها قرار دارد، داشتن همان سلاح نیست. راه حل رهایی کل بشریت از این سلاح مرگبار است. این نیاز دولت های سرمایه داریست تا برای حفظ قدرت خود به این سلاح ها مجهز گردند. راه حل به زیر کشیدن این نظام ها و داشتن جامعه ای برابر و انسانی است. راه حل سوسیالیسم است. برای رهایی مردم ایران و منطقه از خطر مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح های اتمی، راه حل مبارزه مردم برای سرنگونی این رژیم و برقراری سوسیالیسم است. راه حل به پاستن انسانهای آزادیخواه و انسان دوست در تمامی دنیاست تا بساط کثافت کاری اسلام سیاسی را برچینند. به نظر میرسد سوسیالیسم در ایران قرار است نقش واکسن اپیدمی انواع سرطان ها را بازی کند زنده باد سوسیالیسم

مردم تنها با اتکا به نیروی خود آزاد و رها خواهند شد. در ۱۶ آذر کلاسها را تعطیل کنید. در صف مقدم "نه" به کلبت جمهوری اسلامی قرار بگیرید. پرچم سرخ آزادی و برابری را در همه مراکز دانشگاهی کشور برافرازید. متشکل شوید. فضای جامعه را برای بزرگداشت ۱۶ آذر مهیا کنید. به همگان اعلام کنید که در ۱۶ آذر کلاسهای روتین درس برگزار نخواهد شد بلکه درس بزرگتری برای آزادی و برابری در دستور است. به همگان اعلام کنید که وعده ما در ۱۶ آذر پیرامون اصلیتترین اماکن دانشگاهی. ۱۶ آذر را به نقطه عطفی در مبارزات اخیر تبدیل کنید.

۱۴ نوامبر ۲۰۰۴، ۲۴ آبان ۱۳۸۳

## نامه هایی از ایران

برپائی تلویزیون حزب بسیار خوشحالم و یکی از مهمترین دستاورد حزب باید به شمار آورد چون بدون ابزار نمی توان صدا را به گوش مردم رساند بخصوص در این برهه از زمان که می خواهند حتی بالائی آسمان ایران هم چادر بکشند تا ما با اصطلاح صدای نامرحمان به گوش مردم برسد. من به عنوان یکی از رفقای شما پیشنهاد دارم که به اهمیت تلویزیون واقف باشید چون صدای شما هر روز رساتر می شود.

با تشکر

کامبیز

گسسته باد زنجیر استبداد  
برقرار باد حکومت کارگری

فکری جامعه در حوزه مبارزات حقوق زنان، کودکان، تعالیم سکولار و نگرش ماتریالیستی به زندگی و واقعیت گرایی باشید. بنابراین مبارزه شما به این طریق نیز می تواند به گذار جامعه ایران در مراحل تاریخ کمک کند. بنابراین به عنوان فردی که در واقعیت جامعه ایران هست به شما پیشنهاد می کنم به عنوان روشنفکرانی که نقش خودآگاهی دادن به مخاطب در زمینه زندگی فردی و اجتماعی را دارد وارد صحنه شوید و وقتی طرفداران شما به گرایش سوسیالیستی شما پی ببرند اعتباری برای حزب کسب می شود. من نوعی هم، از طریق آشنایی با افکار منصور حکمت به کمونیست و حزب علاقه مند شدم و گرنه پیش از آن تصور مثبتی از مارکس و مارکسیست نداشتم.

با آرزوی سلامتی برای شما

علنی. ایده آن خویست ولی عملی نیست.

آیا تاکید بر روی اینها تشکیل شوراها و مجامع عمومی کارگری در میان کارگران را به حاشیه نمیبرد؟

شما منشور آزادیها را دو سال پیش گفتید چرا تا به حال کاری به پیش نبرده است؟

با توضیحاتی که میدهید، میتوان همین کارها را کرد با اسم دیگری! شما چه میگویید??

با سلام  
رفیق تقوایی عزیز  
سلام گرم مرا بپزیرید! خوشحالم که از نزد یک در بالتالک صحبت های شما را میخوانم بشنوم. حال که اقتضای زمانه چنین ایجاب کرده تا به ناچار از هم دور باشیم ولی در واقع قلبهای ما بسیار بسیار به هم نزد یک است و مهم آن است که از آرمان هایمان دور نیستیم و در هر جا که باشیم حول یک هدف حرکت می کنیم.

من مصاحبه های شما را در تلویزیون می بینم و صحبت های شما را در نشریات هم می خوانم و خودم را عضو کوچکی از شما می دانم از

### احسان ناصری از مشهد

با سلام  
در بسیاری از مقاطع مثلاً در حول و حوش انتخابات مجلس جامعه به حدی ملتهد بود که همه از اینکه شورشی مملکت را بر نمی دارد اظهار تعجب می کردند. مردم معتقدند که اگر یک نیروی سیاسی جایگزین قوی برای جمهوری اسلامی وجود داشت بسیار پیش از اینها انقلاب می شد. من معتقدم که اگر یک جریان فکری محکم و معتبری علاوه بر روند جاری وجود داشت همچون معجزه ای بسیاری از جوانان و نوجوانان آنرا انتخاب می کردند.

اگر چه شما در قالب یک حزب سیاسی فعالیت می کنید و بدرستی اجرای بسیاری از برنامه های خود را منوط به براندازی رژیم می دانید اما در کنار آن توجه داشته باشید که به عنوان روشنفکرانی با گرایش سوسیالیستی می توانید رهبران

### ناری از تهران

در مورد جمع های آزادی برابری آیا این جمع ها علنی باید تشکیل شود. به نظر ما اگر علنی باشد با توجه به اینکه حزب گفته مشکل ساز میشود

اگر مخفی است پس چرا حوزه ها نه؟ فرقیان آنوقت با حوزه ها چیست؟ اینها به نوعی نه سازمان حزبی است و نه شوراها و تشکل